

گران سازی بنزین یا بنزین گران؟

بنزین در پیچ و خم سیاست گذاری
نگاهی به طرح جدید دولت

سیاست دانشگاه غیرسیاسی
نقدی بر وضعیت دانشجویان

رانت سفید؟
بررسی جریان خط سفید



پسامد

نشریه بسیج دانشجویی
دانشکده مهندسی مکانیک

شماره ۴۰
۱۴۰۴ / ۱۰ / ۰۵

بسیج

بنزین در پیچ و خم سیاست گذاری نگاهی به طرح جدید دولت

ص ۲

محمد صادق گنجعلی



سیاست دانشگاه غیرسیاسی نقدی بر وضعیت دانشجویان

ص ۵

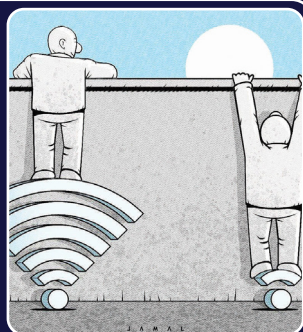
علی ابراهیم

رانت سفید؟

بررسی جریان خط سفید

ص ۶

عرفان خیری



مدیر مسئول: حمیدرضا حمیدی؛
صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشکده مهندسی مکانیک

سردبیر: روزبه پارسه؛



یادداشت سردبیر

اهمیت آگاهی و جهاد تبیین از دید هیچ انسان عاقل و بالغی پوشیده نیست. برتری انسان به باقی جانداران، همین آگاهی است. در مرحله بعدی، می‌توان گفت همین آگاهی است که یک انسان را نسبت به انسانی دیگر تمیز و برتری می‌بخشد. آگاهی، پیش‌توانه منطق و عقل را تقویت نموده و منجر می‌شود که انسان در شرایط گوناگون تصمیم جامع‌تر و کامل‌تری بگیرد.

بر اهمیت آگاهی به‌ویژه در اسلام و احادیثی که از اولیاءالله به ما رسیده، خصوصاً در زمینه پیش‌برد وظایف اجتماعی و رهبری جامعه تأکید شده. چنانچه در قرآن می‌خوانیم: «یوسف گفت: مرا سرپرست خزانه‌های این سرزمین قرار ده؛ زیرا من نگهبان دانایی هستم.» (سوره یوسف، آیه ۵۵)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، حضرت یوسف (ع) خود را از این جهت لایق پیش‌برد اقتصاد یک سرزمین می‌دانست که دانایی و آگاهی کافی از این کار را داشت. حال چه می‌شود اگر جنبش دانشجویی، که پیش‌برنده گام‌های اصلی پیشرفت در عرصه‌های گوناگون است و از معصومیت نبی‌الله بودن هم بی‌نصیب است، به جای آگاهی یافتن بر عرصه‌های مختلف و عقل‌محوری در زندگی، درگیر نبود آگاهی و تصمیمات اشتباه شود؟

نشریه بسامد در این زمینه آغاز به فعالیت کرده و از زمانی که تأسیس شده، تابه‌کنون، تمام تلاش خود را می‌کند تا با شیوه خود و با توانی که دارد، به جنبش دانشجویی، که اتفاقاً در سال‌های اخیر از آگاهی حقیقی مقداری دور شده، در راستای آگاه‌تر شدن کمک کند. در این شماره به بررسی رویدادهای مطرح ماه آذر و آگاه‌سازی‌های نسبت به این اتفاقات می‌پردازیم.

قلم این نشریه شمشیر اسلام است و ان‌شاءالله خداوند در این مسیر به ما کمک کند.



بنزین

در پیچ و خم

سیاست گذاری

محمدصادق گنجعلی، ۱۴۰۳ کارشناسی

در بنزین انجام شد که در آن به هر خودرو کارت سوخت و سهمیه بنزین یارانه ای تعلق میگرفت. در آن زمان هدف تنظیم این طرح، درحالی «حمایت از مستضعفین» عنوان شد که تنها کمی بعدتر مشخص گردید، چگونه برای تحقق هدف خود کفایت نمی کند. ولی آنچه در عمل پیاده سازی شد چیزی نبود جز سیاست «هر که بامش بیش، برفش بیشتر!» ثروت بیشتر و در نتیجه خودروی بیشتر، این امکان را برای هر کسی فراهم می کرد تا به نوعی برابرتر از این حق همگانی استفاده کند و در عوض، مستضعفی که حتی امکان استفاده از وسیله نقلیه شخصی برای او میسر نبود، هیچ بهره ای از حق اساسی خود نمی برد.

در ابتدای مسیر دولت یازدهم، با تکرار شدن قیمت بنزین سهمیه به طور کلی حذف شد و کم کم با جدی شدن پرونده برجام، دولت سیاست های دیگری را برای مدیریت بنزین در پیش گرفت. اما این روند ادامه دار نبود و مدتی پس از آن در سال ۹۸ و به دلیل افزایش پرشتاب نرخ ارز، دولت به طور ناگهانی، تحت فشار و به شیوه ای غیرمسئولانه، سهمیه

می دانیم که سیاست گذاری در حوزه انرژی و مخصوصاً بنزین، تأثیر مستقیم بر صنعت، معیشت مردم، تورم، الگوی مصرف و ابعاد مختلف سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور دارد. به شکلی که تغییر در این سیاست ها سوال اصلی مردم از نامزدهای انتخاباتی مجلس و ریاست جمهوری در چندین دوره گذشته بوده است. هرگونه تغییر در سیاست های عرضه و قیمت گذاری بنزین نیازمند نگاه جامع به مسائل کشور و اقناع سازی افکار عمومی با در نظر گرفتن گستره ای از ملاحظات است.

قضیه از کجا شروع شد؟

اصلاح قیمت بنزین و نزدیک تر کردن آن به قیمت واقعی در دوره های مختلف پس از پیروزی انقلاب اسلامی انجام گرفته است به طوری که قیمت به ازای هر لیتر ۳۰ ریال در دولت نخست انقلاب اسلامی به ده هزار ریال در دولت یازدهم رسید. در دولت نهم، علاوه بر افزایش قیمت بنزین طرحی به منظور عدالت در توزیع یارانه ها و جلوگیری از مصرف گرایی



بنزین را بازگرداند و قیمت بنزین آزاد را به سی هزار ریال در هر لیتر افزایش داد. سفر پرفراز و نشیب قیمت بنزین در دولت سیزدهم تقریباً یکنواخت بود.

نگاهی به طرح جدید

اکنون در دولت چهاردهم، بعد از گذشت حدود ۶ سال، با اینکه قیمت ارز در این بازه زمانی بیش از ده برابر رشد یافته؛ این طرح جدید اولین تغییر است که در سیاست‌های بنزینی دولت مشاهده می‌شود. مختصراً در این طرح جدید سازمان برنامه و بودجه، بنزین سه‌نرخ می‌شود به این ترتیب که: به هر خودرو ۶۰ لیتر بنزین پانزده هزار ریالی و ۱۰۰ لیتر بنزین سی هزار ریالی تعلق می‌گیرد و مصرف بالاتر از ۱۰۰ لیتر نیز با قیمت آزاد پنجاه هزار ریالی صورت خواهد گرفت. البته در این طرح بعضی خودروها دیگر مشمول سهمیه بنزین نخواهند بود؛ از جمله خودروهای نو و خودروهای دولتی. همچنین به افراد دارای دو خودرو یا بیشتر، تنها یک سهمیه بنزین یارانه‌ای تعلق می‌گیرد. در نهایت نکته‌ی حائز اهمیت این است که طرح مذکور قدم اولی برای اصلاحات جدی‌تر خواهد بود. علاوه بر این طرح ستاد، تحول مبنی بر تخصیص سهمیه به شخص به جای خودرو نیز احتمالاً به زودی مکمل طرح سازمان برنامه و بودجه خواهد شد.

بررسی پستی و بلندی‌های بنزین ایران

درحالی‌که وضعیت تولید بنزین در کشور پیشرفت چشمگیری نداشته مصرف بنزین در سال‌های اخیر رکوردهای جدیدی را ثبت کرده، به‌طوری‌که ایران را از یک کشور صادرکننده

بنزین به یک کشور واردکننده تبدیل کرده است. به جهت اهمیت حمل‌ونقل شهری که به‌طور جدی وابسته به تأمین بنزین خودروها است، با وجود اینکه کمبود ارز در کشور تعداد زیادی از صنایع کشور را با مشکل روبرو کرده، بنزین در ایران شش میلیارد دلار ارز به‌صورت مستقیم و در نتیجه واردات از کشور خارج می‌کند. مبلغ هنگفتی که می‌تواند در ایجاد زیرساخت‌ها یا واردات کالاهای اولویت‌دارتر به کار رود! همچنین در کنار آن نزدیک به یک میلیارد دلار بنزین به‌صورت قاچاقی و با سود زیاد برای قاچاقچیان، از کشور خارج می‌گردد. نهایتاً ظرفیت صادراتی بنزین که می‌توانست چندین میلیارد دلار ارزشوری داشته باشد به‌طور کامل مورد اتلاف واقع شده است.

تبعات سیاست‌های قیمتی بنزین تنها شامل موارد اقتصادی نمی‌شود، بلکه به‌دنبال خود صحنه‌ای از اثرات اجتماعی و حتی فرهنگی نیز خلق می‌کند. بنزین ارزان یعنی سرمایه‌اندک برای شغل‌هایی با پایه سرمایه‌بنزینی. برای مثال ارزان بودن بنزین باعث هدایت نیروی کار جوان و متخصص به سمت شغل‌های کاذبی همچون تاکسی‌های اینترنتی به‌دلیل سود بالا و سریع آن در مقابل سرمایه‌حداقلی می‌شود. از طرف دیگر آلودگی هوای ناشی از سوزاندن بنزین در شهرهای صنعتی نیز از دیگر معضلات الگوی مصرف اشتباه است. بنزین ارزان نگرانی‌ای برای اتلاف و سوختن بیهوده به همراه ندارد. این توصیف به این معنا است که سیاست‌های قیمتی مستقیماً و به‌طور جدی بر مدل مصرفی اثرگذار هستند.

ارتباط با صنعت خودرو

یکی دیگر از دلایل عمده مصرف زیاد بنزین



در کشور خودروهای با مصرف بالا و بیش از متوسط جهانی هستند. که بخش عمده آن خودروهای کارکرده و مستهلک هستند. خودروی کارکرده و پرمصرف؛ سریع‌تر سهمیه محدود بنزین یا رانه‌ای خود را تمام می‌کند و باید بنزین مورد نیاز خود را از بنزین آزاد تأمین کند. این موضوع باعث می‌شود که مردم به خرید خودروهای جدیدتر و با مصرف سوخت پایین‌تر ترغیب شوند. در نتیجه ارزش خودروی کارکرده پایین می‌آید و به جای راکد بودن شاهد گردش خودرو در بازار خواهیم بود. این گردش بازاری باعث کاهش سرانه مصرف سوخت و همچنین کاهش آلودگی به جهت استفاده بیشتر از خودروهای بهینه‌تر می‌شود. اگرچه اتفاقات مذکور منوط به استمرار اجرای سیاست‌های اصلاح قیمتی بنزین و همچنین افزایش عرضه خودرو در کشور هستند.

در حال حاضر به دلایل مختلف از جمله تورم و کمبود خودروی نو در کشور، خودروی کارکرده ارزش خود را بیش از حد معمول حفظ کرده و قیمت ارزان بنزین باعث می‌شود تا خودروی کارکرده در کشور بدون نگرانی از تأمین سوخت استفاده شود. در کنار سایر سیاست‌های خودرویی، آزاد کردن قیمت بنزین نیز می‌تواند به کاهش ارزش خودروی کارکرده و در نتیجه اسقاط خودروهای مستهلک کمک کند. بدیهی است دولت می‌بایست از طریق طرح‌های مختلف، مردم را به خرید خودروهای تازه تولید تشویق کرده و در طرح‌های تشویقی مختلف خودروهای مستهلک را اسقاط کند. البته در یک طرح جامع باید در نظر داشت که قشر ضعیف جامعه صاحبان اصلی خودروهای فرسوده هستند و برای خارج کردن این خودروها از چرخه بازار باید گزینه

جایگزین برای این قشر وجود داشته باشد. در طرح جدید از آنجایی که به خودروهای تازه تولید کارخانه سهمیه‌ای تعلق نمی‌گیرد، می‌توان انتظار داشت که مصرف‌کننده ترجیح بدهد به جای خرید خودرو از کارخانه، خودرو با چند سال کارکرد خریداری کند تا در کنار حفظ کیفیت نسبی خودرو، سهمیه بنزین نیز به او تعلق بگیرد. البته این گزاره زمانی درست است که قیمت خودروی خارج شده از خط تولید کارخانه با قیمت واقعی برابر بوده و خودرو ساز در تولید خودرو محدودیت نداشته باشد. یعنی خودرو نه به عنوان سرمایه بلکه به چشم کالای مورد مصرف دیده شود.

چه خواهد شد؟

با همه این اوصاف، خروج دولت از بی‌عملی در مواجهه با مسئله جدی ناترازی، در صورت نگاه عمیق و همه‌جانبه به مسائل، و در کنار سیاست‌های فرهنگی، می‌تواند نوید بخش تحولات مثبتی باشد. اگرچه مسیر پیشروی دولت چهاردهم، پرفراز و نشیب و حساس است؛ باید دید دولت چگونه با جوانب این قبیل سیاست‌ها مواجه خواهد شد و چطور در پیچ‌های تند فرمان را از دست نمی‌دهد.



دانش (؟) گاه

سیاست دانشگاه غیرسیاسی

علی ابراهیم، ۱۴۰۴ کارشناسی ارشد

سال مانند ۱۶ آذر با یک جام فوتبال و لیگ پینگ پنگ سر و ته قضیه را هم می آوردند که نکند خدایی ناکرده به آن مسائل مهم تر ذهنمان مشغول شود.

اصلاً خودمانیم دیگر، به دانشجو چه مربوط است که بخواهد حرف از سیاست بزند و تحلیل های صد من یک غاز تحویل دهد؟! وقتی که می شود مثل بچه آدم بسط فوریه بخوانی یا مسئله خریا حل کنی یا از صدقه سر آزادی ای که ما به تو بخشیده ایم، عاشقانه دست در دست دوستت بگذاری و در مراسم هفته طراحی لذتش را ببری، دیگر چرا به فکر این خزعبلات باشی؟ اصلاً در این دانشگاه چه برایت کم گذاشته ایم که پا در کفش ما می کنی و از مظلومیت کارگران معدن طزره فریاد می کنی و خلع سلاح امثال سلاح ورزی ها را مطالبه می کنی و از بن بست بودن مذاکرات با کد خدا دم می زنی؟!

حقیقت آن است که روشنفکرانه با شعار علم برای علم فریبمان دادند و رندانه با سیاست دانشگاه غیرسیاسی سرگرممان کردند و ما هم نامردی نکردیم و هم فریبشان را خوردیم و هم سرگرمشان شدیم. از حق نگذریم ما هم بی تقصیر نیستیم، ما هم کرخت شده ایم. ما هم به کم قانع شده ایم، تا حدی که آخر ترم که می شود تا نمره قبولی ریاضی و معادلات

آن روزها که پشت نیمکت های مدرسه نشسته بودیم عجب حال و هوایی داشتیم. تست می زدیم، کنکور می دادیم و شبانه روز درس می خواندیم به هوای اینکه قرار است چند صباحی دیگر به دانشگاه برویم.

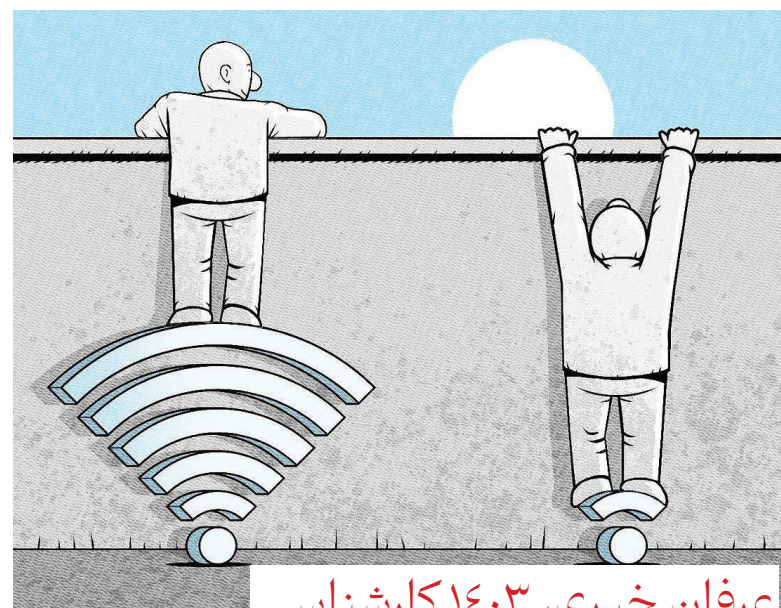
به خیالمان دانشگاه پر بود از فضاهای رمزآلود و شگفت انگیزی که در آینده ای نه چندان دور که دانشجو شدیم، آنها را کشف می کنیم و انگشت به دهان می مانیم.

هرگز یادم نمی رود اولین باری که وارد دانشگاه شدم، تصور می کردم درب اتاق هر کدام از آزمایشگاه ها را که باز کنم دانشجویان دارند یا اتمی را کشف می کنند یا آپولویی را هوا. فکر می کردم قرار است از آن فضای چهارچوب بندی شده دانش آموزی اندکی فاصله بگیریم و کارهای بزرگ بزرگ انجام دهیم که به قول جناب سعدی: زهی تصور باطل زهی خیال محال. ماجرا آن بود که صرفاً جای نیمکت هایمان صندلی گذاشته بودند و جای تخته گچی را به تخته سفید داده بودند و به جای مشتق نیز حالا انتگرال می گفتند. همچنان در ذهنمان سوال اساسی این بود که مگر ما طفولیت و نوجوانی را طی نکرده بودیم و در یک کلام دانشجو نشده بودیم که باز هم جدی مان نمی گرفتند و هنوز هم مثل مدرسه در مهم ترین مناسبت های



را می بینیم کلاهمان را به هوا می اندازیم و دیگر تمام.

ما هم آن قدر تهی از مبنا و معنا شده ایم که گاه در کنج عزلت و اوج لذت خویش غرق می شویم و گاه به سیاست زدگان از خدا بی خبر سواری می دهیم؛ غافل از اینکه این دو، دو روی یک سکه اند. ما هم آن قدر از تاریخ بی اطلاع شده ایم که پیر کودک پهلوی به مناسبت روز دانشجو یا دقیق تر بگویم به مناسبت سالگرد جنایت پدرش در سال ۱۳۳۲ علیه همکلاسی هایمان، زبان به گزافه گویی باز می کند و عجیب آنکه یکی از ما هم صدایش بلند نمی شود که آخر پسرک تاج ندیده، گل به خودی و وقاحت تا کجا؟ ما هم آنقدر درگیر دنیای احاطه شده از اومانیسیم شده ایم که جز خودمان، درسman، شغلman و تفریحman چیز دیگری را نمی بینیم و پاک فراموش کرده ایم که خرج و مخارج تحصیلمان را نیز همان کارگر، کارمند، کشاورز و مردم عادی جامعه می دهند که روزی به کمک ما دل خوش کرده بودند.



عرفان خیری، ۱۴۰۳ کارشناسی

رانت سفید؟

حدود یک ماه پیش، رونمایی از نسخه جدید **نرم افزار ایکس** با افزودن قابلیت نمایش مکان واقعی کاربران، در ایران و جهان حاشیه ساز شد. در ایران، این ویژگی نشان داد که برخی افراد از سیم کارت های بدون فیلتر یا به اصطلاح سیم کارت سفید برخوردارند؛ از جمله چهره هایی که خود علناً با اینترنت طبقاتی و تبعیض در دسترسی به پلتفرم های مختلف مخالفت ورزیده بودند.

سیم کارت سفید می تواند ابزاری ضروری برای خبرنگاران، مقامات و افرادی باشد که به دلایل شغلی نیاز به رصد بدون تأخیر اخبار و رویدادهای جهانی دارند. با این حال هنگامی که این دسترسی ویژه به افرادی داده شود که وابستگی شغلی زیادی به آن ندارند اصل عدالت اجتماعی نقض می شود و به ایجاد تبعیض در جامعه دامن زده می شود. این موضوع نماد اینترنت طبقاتی است؛ اینترنتی آزاد برای خواص و محدود برای عموم جامعه که دسترسی ویژه به برخی افراد، احساس تبعیض و بی عدالتی را در جامعه ایجاد می کند.

تعدادی از سیاستمداران که علناً از فیلترینگ دفاع کرده یا در حمایت از طرح صیانت فعالیت داشتند خود از سیم کارت سفید استفاده می کردند. این افراد در حالی فیلترینگ را ابزاری برای حفاظت از جامعه توصیف می کردند که خود از محدودیت ها معاف بودند. این تناقض نه تنها اصل **عدالت اجتماعی** را نقض می کند بلکه باعث ایجاد این پرسش در جامعه می شود که وقتی این محدودیت ایجاد شده شامل این افراد نمی شود چرا باید با فیلترینگ مخالف باشند؟

هنگامی که چهره هایی از **صیانت** سخن می گویند اما خود به اینترنت آزاد دسترسی دارند اعتماد عمومی به سیاستمداران به شدت خدشه دار می شود و این امر می تواند پایه ای محکم برای بی اعتمادی سیاسی گسترده باشد؛ زیرا شهروندان احساس می کنند قوانین و



محدودیت‌ها تنها برای عوام اعمال می‌شود و خواص از آن مستثنا هستند.

برخی چهره‌های منتقد فیلترینگ نیز در لیست دارندگان سیم‌کارت سفید قرار گرفتند، که این امر با مواضع عمومی‌شان در تضاد است. کسانی که در عمل از سیم‌کارت سفید استفاده می‌کنند ولی در سخن حرف از فیلترینگ می‌زنند مسلماً مردم دیگر باوری به وعده‌هایشان ندارند.

برخی افراد نیز علناً داشتن سیم‌کارت سفید را انکار کردند و اعلام کردند از فیلترشکن استفاده می‌کنند اما فعالیت‌هایشان در پلتفرم ایکس خلاف آن را نشان داد.

اگر داشتن سیم‌کارت سفید برای این افراد بدون مشکل بود، چرا از گفتن این موضوع امتناع کرده بودند و اگر داشتن آن مشکل دارد و ناقض عدالت اجتماعی است چرا این افراد سیاستمدار و سرمداران دولت از این حق برخوردار هستند؟ آیا مردم می‌توانند در آینده به این افراد اعتماد کنند؟

جالب‌تر از همه واکنش برخی از این افراد پس از افشاگری بود؛ تعدادی از دارندگان سیم‌کارت سفید **پس از لو رفتن** در پلتفرم ایکس، به سرعت حساب‌های کاربری‌شان را خصوصی کردند یا پست‌هایی با این مضمون که «حواسمان نبود کار زشتی است» یا «از این دسترسی خبر نداشتیم» منتشر کردند.

این دسترسی چیزی است که با درخواست خود فرد فعال می‌شود و چنین توجیهی نه تنها قابل قبول نیست بلکه توهینی بزرگ به جامعه است.

در نهایت، تناقض‌های آشکار در مواضع و رفتارها همراه با فقدان شفافیت در این موضوع به شدت به **بی‌اعتمادی عمومی** دامن می‌زند.

وقتی سیاستمداران و چهره‌های سرشناس دولت از یک سو بر فیلترینگ تأکید می‌کنند و از سوی دیگر خود از مزایای آن معاف هستند یا حتی انکار می‌کنند، شهروندان حق دارند به صداقت و تعهد آنان به عدالت شک کنند.

این **نبود شفافیت** نه تنها اعتماد به نهادهای دولتی را تضعیف می‌کند بلکه زمینه‌ساز شکاف عمیق‌تر میان مردم و مسئولین می‌شود.

برای حل این مسئله، دو راهکار اساسی پیشنهاد می‌شود: نخست، حذف فیلترینگ و پایان دادن به اینترنت طبقاتی.

این اقدام نه تنها به معنای دسترسی آزاد به اطلاعات برای تمامی شهروندان است، بلکه به گسترش فرهنگ شفافیت و اعتماد میان دولت و مردم کمک خواهد کرد.

حذف فیلترینگ به مردم این امکان را می‌دهد که از **حق دسترسی آزاد** به اطلاعات بهره‌مند شوند و از نظر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به رشد و پیشرفت دست یابند. علاوه بر این، این گام به افزایش آگاهی و مشارکت عمومی در مسائل سیاسی و اجتماعی کمک خواهد کرد، چراکه دسترسی به منابع و دیدگاه‌های متنوع باعث ایجاد فضای بازتر برای گفت‌وگو و تصمیم‌گیری‌های بهتر می‌شود.

در درجه دوم، در صورتی که فیلترینگ همچنان اعمال شود، این دسترسی ویژه باید به طور بسیار محدود و مشخص، فقط به افرادی داده شود که در سطح بین‌المللی فعالیت می‌کنند؛ افرادی همچون خبرنگاران بین‌المللی، دیپلمات‌ها، کارکنان وزارت خارجه و سایر متخصصانی که نیاز فوری به دریافت اطلاعات به‌روز و بدون تأخیر دارند. استفاده از این دسترسی باید کاملاً **بر اساس شفافیت و الزامات قانونی** انجام شود. همچنین، افرادی که از این دسترسی ویژه بهره‌مند می‌شوند، باید در یک لیست عمومی قرار گیرند و دلیل دسترسی آنها برای مردم مشخص باشد تا از ایجاد فضای رانت‌خواری جلوگیری شود. این کار عدالت اجتماعی را حفظ می‌کند و از هرگونه سوءاستفاده از این دسترسی‌ها جلوگیری و به افزایش اعتماد عمومی کمک خواهد کرد.

بسیج دانشجویی در این راستا از تمامی مسئولین ذی‌ربط عدالت اجتماعی را طلب می‌کند.



ما توی نشریهٔ بسامد سعی می‌کنیم با پرداختن
به مسائل مطرح روز از دیدگاهی واقع‌گرایانه،
آگاهی خوانندگان نشریه رو به هر میزانی، حتی
کوچیک، افزایش بدیم.

اگر شما هم در زمینهٔ خاصی احساس
دغدغه‌مندی می‌کنید و نیاز به بررسی می‌بینید،
از طریق راه‌های ارتباطی با ما در تماس باشید.
بیان دغدغهٔ شما می‌تونه به صورت متن‌نویسی،
ایده‌پردازی برای یکی از متون نشریهٔ بعدی، و
به‌طور کلی هر نوع فعالیت مفید و دغدغه‌مندی
در راستای نشریه باشه.

با ما در تماس باشید:



تا با بسامد هم‌فاز شوید!

@BASAMAD_BMECUT